

بررسی کیفی روابط فرازنشویی

مریم عبدالملکی^۱

منصوره اعظم آزاده^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۳/۱۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۵/۴

روابط فرازنشویی یکی از چالش‌های اساسی زندگی خانواده در عصر کنونی است. همچنین، در کشور ما آمار طلاق یک روند صعودی را در طی سالیان اخیر تجربه کرده است؛ طبق نظر کارشناسان خانواده در اغلب موارد، زوجین بی وفایی همسر را به عنوان یکی از عوامل طلاق ذکر کرده‌اند. با توجه به پیامدهای ناگواری که روابط فرازنشویی برای خانواده و فرزندان آن‌ها در پی دارد، هدف اصلی پژوهش حاضر، مطالعه کیفی عوامل موثر بر برقراری روابط فرازنشویی بوده است. بدین منظور ۲۴ نفر از زنان و مردان در شهر قروه - که به همسرشان بی وفایی نموده و به مراکز بهزیستی و مشاوره مراجعه نموده بودند - به روش نمونه‌گیری هدفمند و در دسترس انتخاب و با استفاده از مصاحبه عمیق نیمه ساخت یافته مورد مطالعه قرار گرفتند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نظریه مبنایی نشان داد، دو دسته از عوامل فرهنگی - اجتماعی و زیستی - روانی، نارضایتی زنشویی و روابط فرازنشویی را رقم می‌زنند که به ترتیب عبارت‌اند از: ازدواج اجباری، دلبستگی به خانواده منشأ و دخالت آنان، اختلاف نگرش بر سر نقش‌های جنسیتی، نارضایتی از روابط جنسی و عاطفی و سوء ظن و بدبینی. به عبارتی عوامل مذکور زمینه را برای نارضایتی، کاهش علاقه و تفاهم و در مواردی روابط فرازنشویی فراهم می‌کنند.

واژگان کلیدی: روابط فرازنشویی، بافت فرهنگی و اجتماعی، ازدواج و زوجین

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی، دانشگاه الزهرا (س) (نویسنده مسئول)

E-mail: Maryam.abdolmaleki68@gmail.com

^۲ دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا (س)

ازدواج^۱ در همه جوامع یک نهاد مهم محسوب می شود و داشتن زندگی زناشویی موفق تقریباً برای هر کسی یک هدف آرمانی و عمده به شمار می رود؛ (میرز و همکاران^۲ ۲۰۰۵) به طوری که در پژوهش وایت و گالکر^۳ (۲۰۰۰) نشان داده شد که ۹۳ درصد افراد مورد مطالعه، داشتن ازدواج شاد را یکی از اصلی ترین اولویت های زندگی خویش می دانستند و بر این باور بوده اند که ازدواج یک تعهد مادام العمر است که جز در حالت های اضطراری نباید به آن پایان داد. تعارضات زناشویی و روابط فرازناشویی، تهدیدهایی جدی برای واحد زناشویی هستند که ثبات و کیفیت ازدواج را به چالش می کشند و باعث بروز پیامدهای منفی روانی، جسمانی، اجتماعی و اقتصادی می شوند. روابط فرازناشویی^۴ هنگام ارتباط با شخص دیگری غیر از همسر صورت می گیرد که با صمیمیت عاطفی، رابطه جنسی و پنهان کاری مشخص می شود و وجود هر سه مؤلفه ذکر شده در این رابطه ضروری است. (گلاس و وایت، ۱۹۹۹)

بر اساس نتایج باس و شاکلفورد^۵ (۱۹۹۷) روابط فرازناشویی در بین زوج های آمریکایی در محدوده ۲۶-۷۰ درصد برای زنان و ۳۳-۷۵ درصد برای مردان قرار دارد. از نگاه آنان، روابط فرازناشویی تنها به زوجین آمریکایی یا غربی محدود نمی شود. در مطالعه مربوط به ۱۶۰ فرهنگ گسترده در جهان، در اغلب موارد، خیانت همسر را به عنوان دلیل فروپاشی ازدواج مطرح نموده اند. در مطالعه نیومن^۶ (۲۰۰۸) نیز مردان مهمترین دلایل اقدام به روابط فرازناشویی را نارضایتی عاطفی و جنسی ذکر کرده اند. نتایج پژوهش های دیگر حاکی از آن است که پس از افشای خیانت همسر، خانواده ها با مسائلی نظیر بحران زناشویی، تضعیف عملکردی در نقش های والدینی و مشکلات شغلی رو به رو می شوند. (استفانو، ۲۰۰۸) از دیگر پیامدهای خیانت همسر می توان به مسائلی نظیر ضرب و شتم و اقدام به خودکشی اشاره کرد. حتی در بسیاری از موارد شوهران، همسران خود را به دلیل وجود نفر سوم (معشوق) می کشند. (باس و شاکلفورد، ۲۰۰۳) همچنین، به نظر می رسد خیانت جنسی و طلاق به شدت با هم رابطه دارند؛ چنان که

¹Marriage

²Myers & et all

³ Waite & Gallagher

⁴Extra marital

⁵ Buss & Shackelford

⁶Neuman

شماری از تحقیقات نشان داده اند افراد مطلقه، اغلب خیانت را به عنوان دلیلی برای طلاق ذکر کرده اند. (آلن و اتکینز، ۲۰۱۲)

در ایران، هیچ آمار رسمی در مورد نرخ روابط فرازنشویی و پیمان شکنی گزارش نشده و این گونه موارد جزو تابوهای اجتماعی و واقعیت های نادیده انگاشته و پوشیده قرار می گیرد. برای بیان آمار رسمی روابط خارج از چارچوب زناشویی در ایران تنها می توان به پژوهش کاوه (۱۳۸۷) اشاره کرد. بر اساس پژوهش وی، از ۲۰۰ نفر زن، ۴۸ درصد از آنان بیان کرده اند که همسرشان روابط خارج از چهارچوب ازدواج داشته اند. در سطح استان کردستان نیز آمار دقیقی در مورد میزان روابط فرازنشویی در دست نمی باشد، اما در پژوهش ناصری (۱۳۹۰) درباره علت های طلاق در کردستان که بر اساس مقایسه دیدگاه کارشناسان (روانشناس و مددکار) و دیدگاه زوجین متقاضی طلاق انجام گرفته است، در کنار سایر عوامل مانند دخالت های اطرافیان، اعتیاد، بیکاری، اختلاف طبقاتی، وجود فرهنگ مرد سالاری و...، اغلب زوجین عهدشکنی همسر را به عنوان یکی از دلایل طلاق مطرح کرده اند.

استان کردستان از جمله مناطقی است که یکی از قومیت های مهم و پر جمعیت ایران را در خود جای داده است. همچنین، به دلیل مجاورت با استان های کرمانشاه و همدان، دارای بافت چند فرهنگی است و قومیت های مختلفی در این استان زندگی می کنند. آمارها نشان می دهند که طی دو دهه گذشته استان کردستان جزو پنج استانی بوده که بیشترین میزان طلاق را در کشور داشته است. (حسینی، ۱۳۸۶: ۶۷-۲۹) بررسی مقایسه ای با سایر استان ها نشان می دهد که استان کردستان که در سال ۱۳۷۲ رتبه چهارم کشور، در سال ۱۳۷۶، رتبه دوم کشور، در سال ۱۳۸۰، رتبه چهارم و در سال ۱۳۸۳ رتبه پنجم کشور را در زمینه طلاق دارا بوده است. از سوی دیگر، نرخ طلاق در این استان از سال ۱۳۷۵ همچنان سیر صعودی داشته است؛ به طوری که از ۹،۴ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۴،۴۳ در سال ۱۳۸۵ و ۱۵،۸۶ در سال ۱۳۸۸ رسیده است. (سالنامه آماری کشور، سال های ۸۸-۷۲)

شهر قروه یکی از شهرهای مهم استان کردستان می باشد که بیشتر بافت جمعیتی آن را اقوام ترک و کرد تشکیل می دهند. گسترش فناوری های اطلاعاتی و شبکه های ماهواره ای و کانال های کرد زبان، ایجاد مراکز دانشگاهی آزاد، پیام نور و علمی-کاربردی، گسترش راه های ارتباطی و کافی نت ها و کلوپ های مختلف در منطقه و رشد شهرنشینی از تحولات اخیر در شهر قروه هستند. به نظر می رسد این تحولات

تغییرات عمده ای را در هویت، شیوه های زندگی و نگرش های زوجین نسبت به ازدواج و روابط صمیمی و جنسی ایجاد کرده است. با پیشرفت اقتصادی-اجتماعی، گسترش رسانه ها و آموزش بیشتر، زنان از فرهنگ سنتی فاصله گرفته اند و این امر باعث شده است که کمتر نقش های سنتی را بپذیرند و یا در صورت پذیرش، ارزیابی منفی نسبت به نقش خود داشته باشند. از سوی دیگر، گاهی عدم پذیرش و درک مردان از شرایط جدید و ناآگاهی از حقوق و تکالیف متقابل زوجین، موجب اختلافات و تعارضات شدید در خانواده شده است و در نهایت، نارضایتی آنها از زندگی اغلب زمینه را برای بروز خیانت و طلاق بین زوجین فراهم می کند. (ناصری، ۱۳۹۰: ۹۱) همانطور که گفته شد آمار رسمی در ارتباط با میزان روابط فرازنشویی در شهر قروه وجود ندارد، اما به لحاظ میزان آمار طلاق در استان کردستان، شهر قروه رتبه چهارم را در سطح استان به خود اختصاص داده است که گزارش آن در جدول ۱ آمده است. همچنین نگارنده به سازمان های مختلف استان (دادگاه، بهزیستی و کلینیک) مراجعه نموده و با مطالعه پرونده های طلاق و مصاحبه با افراد متقاضی طلاق مشاهده کرده که اغلب زوجین- در کنار سایر عواملی که در پژوهش ناصری به آن ها اشاره شد- بی وفایی همسر را نیز به عنوان یکی از دلایل طلاق مطرح نموده اند؛ گرچه میزان خیانت در بین مردان بیشتر از زنان بود و اغلب این افراد زیر ۳۵ سال سن داشتند. این نوشتار در صدد است تا با واکاوی ریشه های نارضایتی زناشویی، انگیزه و عوامل اجتماعی و فردی تأثیرگذار بر برقراری روابط فرازنشویی از نگاه زنان و مردانی که به همسرشان خیانت کرده اند را به عنوان یک مسئله اجتماعی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهد.

جدول ۱: سایت اداره ثبت و احوال استان کردستان^۱

این نتایج مربوط است به: قروه از ابتدای فروردین سال ۱۳۸۶ تا پایان فروردین سال ۱۳۹۲					
طلاق			ازدواج		
کل	روستایی	شهری	کل	روستایی	شهری
۱۸۷۱	۶۰۱	۱۲۷۰	۱۳۶۲۵	۴۸۷۴	۸۷۵۱

این پژوهش بر آن است که به سوالات زیر پاسخ دهد:

۱. دلایل نارضایتی زنان و مردان از زندگی زناشویی شان چیست؟

^۱ (تاریخ مراجعه محقق به سایت: ۱۳۹۲/۱۰/۲۰)

۲. ماهیت روابط فرازنشویی از دیدگاه شرکت کنندگان چیست؟

۳. علل و عوامل دخیل در ایجاد نارضایتی زنشویی، از طریق کدام ساز و کار علی، منجر به برقراری

روابط فرازنشویی گردیده است؟

۴. به لحاظ جنسیتی چه تفاوتی بین زنان و مردان در برقراری روابط فرازنشویی هست؟

هدف کلی این پژوهش، ارزیابی و تحلیل دلایل نارضایتی زنشویی و برقراری روابط فرازنشویی از نگاه زنان و مردانی که به همسرشان خیانت کرده اند و به مرکز مشاوره و بهزیستی شهر قروه مراجعه نموده اند، اما اهداف جزئی زیر را نیز دنبال می کند:

- مشخص کردن دیدگاه زنان و مردان نسبت به ماهیت روابط فرازنشویی؛
- مشخص کردن ساز و کار علی تأثیر نارضایتی زنشویی بر برقراری روابط فرازنشویی زنان و مردان؛
- مشخص کردن تفاوت های جنسیتی در میزان و دلایل برقراری روابط فرازنشویی.

پیشینه پژوهش

در واکاوی ادبیات تجربی خارجی مرتبط با روابط فرازنشویی می توان به تحقیقات قابل ملاحظه ای اشاره کرد. جانسون و مهاسین^۱ (۲۰۱۱) در مقاله ای پژوهشی با عنوان "پیش بینی کننده های روابط فرازنشویی" به این نتیجه رسیدند که در بین زنان و مردان ویژگی های شخصیتی جنسی (مانند هیجان رابطه، سازگاری جنسی و نوع نگرش جنسی) نسبت به متغیرهای جمعیت شناختی و مذهب نقش موثرتری را در پیش بینی روابط فرازنشویی ایفا می کنند. نتایج آلن و اتکینز^۲ (۲۰۱۲) در تحلیل داده های پیمایش عمومی جامعه شناسی مربوط به مرکز تحقیقات دانشگاه شیکاگو نشان داد که خیانت جنسی احتمال طلاق را افزایش می دهد و بیش از نیمی از زنان و مردانی که خیانت جنسی داشته اند، از همسرشان جدا شده یا طلاق گرفته اند. چین لیو^۳ (۲۰۰۰) نیز بیان می دارد با گذشت هجده سال از ازدواج، احتمال وقوع رابطه فرازنشویی به طور مداوم افزایش می یابد. نکته مهم دیگر این است که زوجینی که در روابط جنسی خود

¹Janssen & Milhausen

² Allen & Atkins

³ Liu

کمتر احساس رضایت می کنند، احتمال بیشتری دارد که در روابط جنسی فرازناشویی درگیر شوند. این امر در مورد مردان بیشتر از زنان صادق است، چون مردان بیشتر دنبال لذت جسمی و جنسی هستند و زنان از آنجا که بیشتر به دنبال حمایت عاطفی هستند، کمتر به روابط جنسی فرازناشویی تمایل پیدا می کنند.

در ایران، تحقیقات بسیار کمی درباره روابط فرازناشویی انجام شده است که در ادامه، به مرور نتایج مهم ترین آن ها در سال های اخیر می پردازیم:

یکی از پژوهش های مهم در این زمینه، پایان نامه ناهید احمدی (۱۳۹۱) با عنوان "بررسی جامعه شناختی روابط خارج از چارچوب ازدواج" می باشد. اطلاعات این پژوهش از طریق مصاحبه عمیق با ۲۰ زن و ۲۱ مرد متأهل در شهر تهران که رابطه خارج از چارچوب ازدواج را تجربه کرده اند، جمع آوری شده است. نتایج پژوهش، مصادیق این رابطه را رابطه صرفاً جنسی، رابطه جنسی رمانتیک، رابطه عاطفی، رابطه اینترنتی، دوست اجتماعی و رابطه دسته جمعی نشان می دهد. طبق یافته ها، دلایل برقراری این رابطه عبارت اند از: نارضایتی جنسی، عوامل روانی، عوامل اجتماعی، فاصله جسمانی و برآیندی از مشکلات در دراز مدت. همچنین، جنسیت، پایگاه اجتماعی افراد و نوع ازدواجشان از عوامل تاثیر گذار بر برقراری رابطه خارج از چارچوب ازدواج است.

پژوهش سعید کاوه (۱۳۸۷) با عنوان "همسران و بی وفایی و خیانت" به دنبال سنجش نگرش زوجین و میزان احتمال درگیر شدن زوجین در جریان بی وفایی و خیانت است. جامعه آماری این تحقیق، خانم های مراجعه کننده به مراکز مشاوره هستند که ۲۰۰ نفر از آن ها به عنوان نمونه انتخاب شدند و پرسشنامه در اختیار آن ها قرار گرفت. نتایج پژوهش وی نشان داد که شوهران ۴۸ درصد از خانم ها به آنها بی وفایی کرده اند. ۳۸ درصد از خانم ها، فکر اقدام به برقراری رابطه عاطفی با فردی دیگر به ذهن شان خطور کرده بود و ۱۳ درصد از خانم های آزمون شده با مرد دیگری رابطه عاطفی برقرار کرده اند. آنها انتقام از همسر، علاقه نداشتن از ابتدای ازدواج به همسر و جبران خیانت - جبران کمبود محبت و عشق ورزی از جانب همسر - را به عنوان دلایل درگیر شدن زنان در بی وفایی و خیانت بیان نموده است.

ملیحه شیر دل (۱۳۸۵) تحقیق دیگری با عنوان "عوامل مؤثر بر گرایش زنان و مردان به رابطه نامشروع جنسی" با روش پیمایش و ابزار پرسشنامه محقق ساخته انجام داده است. نمونه آماری این تحقیق ۲۰۰ نفر از زنان و مردان متأهل شهرستان بجنورد است که یک تا بیست سال از زمان ازدواج شان گذشته است.

یافته های پژوهش نشان می دهد احتمالاً زنان و مردانی که به رابطه نامشروع گرایش دارند، از روابط عاطفی و جنسی با همسرشان رضایت ندارند. همچنین، در بعضی موارد زنان و مردانی که به وفاداری همسر خود سوء ظن دارند برای برانگیختن حس حسادت و توجه همسر، به انتقام گرفتن و مقابله به مثل می پردازند. در نهایت نتایج بیانگر این مطلب است که مردان بیشتر از زنان به رابطه نامشروع جنسی گرایش دارند. همچنین مردان در روابط با غیر همجنس تنوع طلب بوده و به برقراری روابط جدید و تجربه هیجان یک رابطه جنسی جدید گرایش نشان می دهند.

همانطور که ملاحظه شد، تعداد تحقیقات انجام شده در زمینه روابط فرازناشویی بسیار کم است و اغلب نیز در شهر تهران انجام شده اند. همچنین عوامل موثر بر روابط فرازناشویی را در بافت منحصر به فرد فرهنگی - اجتماعی در نظر نگرفته اند. بنابراین با توجه به محدودیت های فوق، هدف پژوهش حاضر بررسی دلایل نارضایتی و برقراری روابط فرازناشویی در شهر قروه از نگاه یکی از طرفین (زن یا شوهر) می باشد که به همسرشان بی وفایی کرده اند و به مراکز مشاوره و بهزیستی مراجعه نموده اند.

روش شناسی پژوهش

روابط فرازناشویی به این معنی است که فرد پس از آگاهی از ماهیت رابطه و ارزیابی معایب و مزایای آن گرایش پیدا می کند بدون اطلاع و رضایت همسرش با فردی از جنس مخالف، رابطه پنهانی و عاطفی برقرار کند. صمیمیت عاطفی در ارتباط منجر می شود یک رابطه دوستی ساده به خیانت تغییر شکل دهد. ماهیت جنسی این رابطه بیانگر احساس صمیمیت و هیجان و رابطه عاشقانه است و گاهی نیز بدون وجود رابطه جنسی واقعی می باشد. (گلاس و رایت، ۱۹۹۹) بنا به ماهیت پیچیده و تابو بودن روابط فرازناشویی در کشور، این پژوهش با رویکرد کیفی و روش نظریه مبنایی انجام گرفته است. روش نظریه مبنایی بر کشف مقوله های مربوطه و نیز توصیف روابط موجود در بین این مقوله ها به منظور ایجاد نظریه تأکید دارد. (استراوس و کوربین ۱، ۱۳۹۰: ۴۷) اگر چه ایجاد یک نظریه هدف اصلی پژوهش حاضر نیست، این روش به این دلیل انتخاب گردید که هدف پژوهش، کشف مقولاتی درباره دلایل نارضایتی زناشویی و روابط فرازناشویی از دیدگاه خود افراد در بافت منحصر به فرد فرهنگی - اجتماعی قروه بود.

نمونه های مورد مطالعه

¹Strauss & Corbin

از بین افرادی که به مرکز مشاوره و بهزیستی قروه مراجعه کرده اند با لحاظ نمودن ملاک هایی که در ادامه خواهد آمد، ۲۴ نفر از زنان و مردانی که روابط خارج از چهارچوب ازدواج را تجربه کرده و به بهزیستی و مراکز مشاوره قروه مراجعه کرده بودند از طریق نمونه گیری هدفمند، در آبان ماه سال ۱۳۹۲ انتخاب و مورد مصاحبه قرار گرفتند. نمونه گیری هدفمند به انتخاب آزمودنی هایی اشاره دارد که حداکثر اطلاعات ممکن درباره پاسخ سوالات پژوهش به دست آید. (کرسول^۱، ۲۰۰۷) پژوهشگر از قبل ملاک هایی انتخاب کرده بود که فقط زنان و مردان واجد آن ها می توانستند در پژوهش شرکت کنند. ملاک هایی که پژوهشگر طبق آن ها شرکت کنندگان را برای شرکت در پژوهش انتخاب کرد به شرح ذیل بود:

۱. حداقل ۱ سال از ازدواج شان گذشته باشد.

۲. زن یا مرد روابط فرازنشویی را تجربه کرده باشند.

گستره سنی زوجین ۳۵-۱۸ سال با میانگین ۲۸ سال، مدت ازدواج ۱۲-۱ سال با میانگین ۵ سال و سطح سواد در میان پاسخگویان از راهنمایی تا تحصیلات در مقطع دکتری را شامل می شود که در این میان افرادی که دارای تحصیلات لیسانس هستند بیشترین میزان فراوانی را به خود اختصاص داده اند. از بین ۲۴ نفر فرد مشارکت کننده، ۱۴ نفر مرد و ۱۰ نفر زن بودند.

شیوه جمع آوری و تحلیل داده ها

داده های این پژوهش از طریق مصاحبه عمیق با یکی از طرفین (زن یا شوهر) که به مراکز مشاوره و خانواده مراجعه کرده اند، جمع آوری شده است. با توجه به اینکه محل انجام مصاحبه، اتاق مشاوره مستقر در ساختمان بهزیستی شهرستان قروه بود، ابتدا فرم رضایت آگاهانه توسط شرکت کنندگان تکمیل گردید و سپس مصاحبه آغاز شد. سوال آغازین این بود که «آیا از همسر خود راضی هستید، در صورت «خیر» در چه زمینه هایی ناراضی هستید؟» این سوال با سوالات دیگری همچون: «آیا در طول دوران متأهلی به این موضوع فکر کرده اید که با فرد دیگری از جنس مخالف (غیر از همسرتان) ارتباط دوستی برقرار کنید. دلیل آن را ذکر کنید؟» و توضیحات اضافه همراه بود. از زوج ها خواسته شد تجربیات زیسته خود را از رابطه زنشویی و نحوه پیدایش مشکلات توضیح دهند. اکثر افراد نمونه، داستان زندگی مشترک و مشکلات تجربه

¹Creswell

شده را توصیف کردند. مصاحبه با هر زوج در دو جلسه نزدیک به ۳۰ دقیقه ای انجام گرفت. در جلسه اول، داستان آشنایی زوجین و نارضایتی و بی وفایی از آغاز تا حال مورد بررسی قرار گرفت. بین دو جلسه، مصاحبه ها تحلیل و کدگذاری می شدند و حوزه های مبهم که نیازمند جستجوی بیشتری بود، شناسایی و در جلسه دوم مورد بحث بیشتر قرار می گرفتند.

یکی از مباحث مهم در روش کیفی، بررسی اعتبار پژوهش است. اعتبار به این موضوع می پردازد که آیا موضوعی که ادعا می شود، به طور واقعی بررسی شده است؟ برای تأمین اعتبار پژوهش حاضر از چندین راهکار سود جستیم؛ در ابتدا کوشش کردیم با مستند سازی و نوشتن مشاهدات خود و ضبط دقیق مصاحبه های شرکت کنندگان، به ارزیابی دقیق صحنه کمک کنیم و از پیش داوری و سوگیری های ذهنی محقق پرهیز به عمل آید. همچنین، مصاحبه گر بعد از تدوین گزارش کار در هر مرحله، گزارش را در اختیار چندین صاحب نظر قرار داد تا آنها نیز بر قضاوت علمی مصاحبه گر نظارت داشته باشند و بدین طریق اعتبار صوری پژوهش افزایش بیابد. شیوه تحلیل داده ها به این صورت بود که در مرحله اول، کدگذاری باز (مفاهیم یا کدهای موجود در داده ها استخراج می گردند) در مرحله دوم، کدگذاری محوری (کدهای استخراج شده تحت عناوین فراگیرتری دسته بندی می شوند) و در مرحله سوم که کدگذاری انتخابی نام دارد، روابط بین مقوله های کشف شده، به منظور ایجاد یک نظریه مورد بررسی قرار می گیرند. این مراحل بر اساس یک توالی زمانی تغییر ناپذیر انجام نمی گیرند، بلکه دائماً بین مراحل مختلف پژوهش در نوسان و حرکت هستیم. در نوشتار حاضر فقط از دو نوع اول کدگذاری استفاده شده است.

یافته های پژوهش

تحلیل و مقوله بندی توصیف های شرکت کنندگان درباره دلایل روابط فرازنشویی آنان در جدول ۲ نشان داده شده است. برخی از این عوامل در پژوهش های دیگر نیز گزارش شده اما برخی دیگر، در پژوهش های پیشین توجه چندانی دریافت نکرده اند و به نظر می رسد بیشتر موضوعات نشات گرفته از بافت فرهنگی شرکت کنندگان است که در ادامه به تفصیل بیان می شود.

جدول ۲: عوامل شناسایی شده بر قراری روابط فرازنشویی

عوامل فرهنگی - اجتماعی	عوامل زیستی - روانی
- وابستگی به خانواده منشأ و دخالت آنان - ازدواج اجباری - اختلاف نگرش بر سر نقش های جنسیتی	- نارضایتی از روابط جنسی و عاطفی با همسر - سوء ظن و بدبینی

عوامل فرهنگی - اجتماعی

ازدواج اجباری: برخی از ازدواج ها نه بر اساس انتخاب خود افراد، بلکه با اجبار والدین انجام گرفته بودند. در بافت فرهنگی نمونه مورد مطالعه در مواردی تصمیم گیری درباره ازدواج فرزندان به ویژه دختران، توسط والدین انجام می گیرد. در بین مصاحبه شوندگان، کسانی بودند که علی رغم میل خودشان و تنها با اصرار و اجبار والدین تن به ازدواج داده بودند.

ازدواج من یک ازدواج اجباری بود، پدر و مادرم اجازه ندادند خودم تصمیم بگیرم. در مقابل خواست اونا هم نمی توانستم مقاومت کنم، چون می دونستم خونه رو برام جهنم می کنن... بعد ازدواج هم هیچ وقت ازش خوشم نیومد. آخه اون از هر نظر با معیارهای من فاصله داشت. الان با فردی هستم که حرف های منو می فهمه و بهتر درک می کنه.

(زن ۲۲ ساله، لیسانس)

وابستگی به خانواده منشأ: عامل مهم دیگر در بروز تعارضات زناشویی، جدا نشدن همسر از خانواده اصلی بود. این موضوع دو جنبه داشت: فقدان استقلال در تصمیم گیری و وابستگی مالی به خانواده. همچنین، عدم شناخت کافی قبل از ازدواج مشکلات زیادی را در طی زندگی مشترک برای زوجین به بار می آورد. عوامل زیادی وجود دارد که مانع از شناخت کافی قبل از ازدواج می شود، مانند وساطت والدین و اطرافیان در انتخاب همسر آینده، تفکر سنتی مبتنی بر اینکه امکان ارتباط زوجین قبل از ازدواج یا حتی دوران عقد را با محدودیت مواجه می کند و عدم آگاهی زوجین و شتاب در امر ازدواج که شناخت از

یکدیگر را به بعد از ازدواج موکول می کند. بنابراین نقش والدین در امر گزینش همسر و تأمین اقتصادی فرزندان موجب شده خانواده ها نقش حمایتی از فرزندان را برای خود قائل شوند در نتیجه فرزندان به گونه ای پرورش داده شوند که نتوانند استقلال شخصیتی و رفتاری لازم را کسب کنند و فرزندان حتی بعد از ازدواج نیز وابستگی زیادی به خانواده پدری شان داشته باشند.

بی تدبیری و بی فکری همسر و احساس مسئولیت زیاد او نسبت به خانواده اش، زندگی ما را با کمبود و مشکل مواجه نموده است. آنها در مورد اغلب مسائل زندگی ما مانند نحوه پوشش، زمان بچه دار شدن و... نظر می دهند. بارها با همسرم گفتگو نموده و تجارب دیگران را به ایشان نشان داده ام. اما گاهی خانواده اش را بر من ترجیح می دهد و نظر آن ها را مهم تر می داند. گاهی با احساس تنهایی و کمبود محبت شدید مواجه می شوم.

(زن، ۲۸ ساله، دیپلم)

مردان نیز از توقعات بالای زنان و ارتباط زیاد زن با خانواده مادری اش شکوه می کنند.

همسرم شرایط مرا درک نمی کند و امکانات بیشتری را می خواهد (منزل شخصی، ماشین و خریدهای گوناگون...). مدام به خانه پدری می رود، تحت تأثیر حرف های خواهر و مادرش قرار می گیرد و وقت کمی را به گفتگو با من اختصاص می دهد. گاهی با زور و دعوا و گاهی با پول او را راضی می کنم. اما همسرم گل خاردار می باشد و کمتر اهل سازگاری است.

(مرد، ۳۰ ساله، لیسانس)

اختلاف نگرش بر سر نقش های جنسیتی: شایع ترین عامل ایجاد نارضایتی و کشمکش و در نهایت عهدشکنی که تقریباً توسط اکثر زوج های شرکت کننده در پژوهش گزارش شد، تضاد نگرش نسبت به نقش های جنسیتی بود. شوهران طرفدار نگرش سنتی بودند و قدرت و حق تصمیم گیری را متعلق به خود می دانستند و می خواستند که زنان تابع خواسته های آن ها باشند؛ اما زنان طرفدار نگرش برابرنگر بودند و معتقد بودند شوهران نباید به آنان دستور دهند و انتظار اطاعت صرف را داشته باشند.

همدیگر را درک نمی کنیم، او دلش می خواهد که من مطیع او باشم. بد دل و بد دهن است و واقعاً مرا ناراحت می کند. من نمی خواهم آنگونه باشم که او می خواهد. فقط می خواهد حرف خودش را به کرسی بنشانند حتی اگر غیر منطقی باشد. اوایل به نزد مشاور می رفتم و کتاب می خواندم، اما فایده ای نداشت و هیچ موقع حاضر نشد به حرف هایم گوش دهد.

(زن ۲۰ ساله، فوق دیپلم)

از طرف دیگر مردان نیز نافرمانی زنان را از عوامل اصلی نارضایتی و روابط فرازناشویی می دانستند.

همسر علی رغم میل باطنی من سر کار رفت و بیشتر وقتش را در مغازه خیاطی اش می گذراند. این امر باعث شده در امر بچه داری، آشپزی و تمیز کردن خانه دائماً با کمبود وقت مواجه باشد. فوق العاده بی مسئولیت است و به من و امور خانه رسیدگی نمی کند. من نیز تا جایی که بشود به او بی اهمیت می شوم.

(مرد ۳۵ ساله، دیپلم)

تحصیل، کار، روابط خویشاوندی و خانه داری موضوعاتی هستند که همسران بر سر آن ها اختلاف نظر شدید دارند. زمانی این عوامل منجر به اختلاف و کشمکش می شود که مردان تصمیم گیری و اعمال قدرت را حق مسلم خویش می پندارند، اما این انتظارات با مقاومت از سوی زنان مواجه می شود. به دلیل عدم وجود حمایت جامعه و آموزش ندیدن در باب حقوق برابر بین زن و مرد، بسیاری از الگوهای رفتار سنتی تداوم یافته است که هرچند در گذشته دارای کارکرد بوده، اما امروزه آسیب رسان است.

عوامل زیستی - روانی

نارضایتی از روابط جنسی و عاطفی: عامل بسیار مهم دیگر که بسیاری از زوج ها به آن اشاره کرده اند، نارضایتی از روابط جنسی و عاطفی می باشد که خود یا به دلیل اختلالات جنسی زوجین یا به دلیل عدم آگاهی و یاد نگرفتن مهارت های زناشویی ایجاد می شود. هنوز بسیاری از مهارت های ارتباطی که برای زندگی زناشویی لازم است و همچنین مطابق با نیازهای روز باشد، طی دوران جامعه پذیری به دختران و پسران آموزش داده نمی شود. در نتیجه زمینه روانی ایجاد روابط فرازناشویی فراهم می گردد.

همسر به تعدادی از علائق و خواست های من بی توجه است. این موجب می شود من زود عصبانی شوم و یا از خواست هایم صرف نظر کنم. بسیار کم حرف می باشد و آداب محبت کردن و نزدیکی با من را بلد نیست. هیچ تلاشی برای تغییر خود نمی کند و دیدگاه محدودی نسبت به مسائل زناشویی دارد. احساس می کنم خوب تربیت نشده و راه حل مشکلات را یاد نگرفته است. به هر حال هر کس به دنبال فردی در سطح فکر و ایده ال خود می باشد که نیازهای جسمی و روحی همدیگر را درک کنند.

(مرد، ۲۸ ساله، لیسانس)

سوء ظن و بدبینی: عامل دیگر که به تعهدشکنی ازدواج مربوط می شود، سوء ظن و بدبینی است. عامل مذکور به ویژگی های روان شناختی و ارتباطی زوجین بر می گردد و بیشتر به دلیل عدم شناخت کافی قبل از ازدواج و همچنین عدم توانایی لازم در مهارت های ارتباطی و حل مسئله مربوط می شود. هر چقدر زوجین از این مهارت ها کمتر برخوردار باشند، زمینه های بروز بی اعتمادی و بدبینی بیشتر می شود. در بین افراد نمونه، کسانی بودند که همسرشان درباره وجود رابطه دچار وسواس فکری شده بود و دائم رفتارها و گوشی او را چک می کرد. وجود سوء ظن چه به دلایل واقعی و چه به دلایل غیر واقعی، می تواند یک آسیب جدی در روابط زوجین ایجاد کند و منجر به عدم اعتماد و کاهش علاقه و تفاهم زوجین می شود و در بروز روابط فرازناشویی تأثیر دارد.

حساسیت زیادی نسبت به کارهای من نشان می دهد. مثلاً به رفت و آمد با دوستانم، به قلیان و سیگار کشیدن که اصرار به ترک آن ها دارد. دائماً اعتراض می کند که به زندگی و همسرت رسیدگی نمی کنی، وضع مالی مان خوب نیست و در پی خوش گذرانی و رفیق بازی خودت هستی. اما من قبل از ازدواج نیز به این شیوه زندگی کرده ام و کنجکاوی و تنوع دوستان را می پسندم.

(مرد، ۲۶ ساله، دیپلم)

زنان نیز اغلب به دلیل سوء ظنی که به همسر خود دارند و یا برای انتقام از همسر عمیقاً وسوسه شده اند که گاهی به دلیل احساس گناه و ترس از پیامدها اجتناب کرده اند و یا اقدام به برقراری رابطه عاطفی نموده اند و درددل و حرف های خود را با فردی غیر از همسر در میان گذاشته اند.

از اوایل ازدواج مان به من گیر می داد و طرز پوشش و رفتار مرا کنترل می کرد... حتی موبایل و خط های قبلی مرا چک می کرد؛ اما من جرأت چک کردن موبایل او را نداشتم. بیشتر وقتش را در فیس بوک و با چت کردن یا بیرون صرف می کرد. آزادانه شاگردانش با او تماس می گرفتند و صحبت می کردند، اما او تعیین می کرد که با چه کسی رفت و آمد کنم. اصلاً به نیازهای روحی من توجهی ندارد. گاهی واقعاً کلافه میشم، حتی مرا از ادامه تحصیل نیز محروم کرد. تحمل افکار و رفتارهای بسیار برایم سخت شده است. گاهی برای احساس آرامش و رفع تنش ها با همسرم، به فرد دلخواهم پناه می برم و با او گفتگو می کنم.

(زن، ۳۰ ساله، لیسانس)

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر، بررسی دلایل برقراری روابط فرازنشویی در شهر قروه از نگاه زنان و مردانی است که به همسرشان بی وفایی کرده اند. این پژوهش با نمونه کوچک و استفاده از روش کیفی و فن مصاحبه عمیق انجام گرفته است.

داده ها و یافته های مربوط به ویژگی های جمعیت شناختی و اجتماعی افراد مورد بررسی نشان می دهد که فراوانی افرادی که به همسرشان بی وفایی کرده اند، در رده سنی هجده تا سی سال (۶۳ درصد) بیشتر از افراد رده سنی سی تا سی و پنج سال (۳۷ درصد) می باشد. به لحاظ تحصیلات نیز، برقراری روابط فرازنشویی در بین افرادی با تحصیلات لیسانس (۳۹ درصد) و دیپلم (۳۶ درصد) بیشتر از سایر مقاطع تحصیلی است.

همچنین، در این بررسی مشخص شد، زنان و مردان قبل از برقراری روابط فرازنشویی از تنش و ناآرامی روحی و روانی رنج می برده اند و در شرایط نامناسب و بغرنجی قرار داشته اند. از آنجایی که هنجار حاکم بر جامعه، مرد سالاری است و جنسیت به خودی خود منبع قدرت به شمار می رود، مردان قدرت بیشتری در خانواده دارند و زنان از قدرت کمتری برای حل مشکلات به دلخواه خود برخوردار هستند و بعد از مدت ها تحمل فشار روحی و بی مهري، مردان (۵۹ درصد) بیشتر از زنان (۴۱ درصد) به دنبال پرکردن خلأهای عاطفی و جنسی می روند. این نتیجه با یافته های پژوهش های داخلی و خارجی

همچون: احمدی (۱۳۹۱)، کاوه (۱۳۸۷)، شیردل (۱۳۸۵)، گلاس و رایت (۱۹۹۹)، چین لیو (۲۰۰۰) و بلو و هارتنت (۲۰۰۵) مطابقت دارد. بر اساس نتایج این پژوهش ها، مردان بیشتر از زنان به دنبال لذت جسمی و جنسی هستند. به همین دلیل بیشتر از زنان به برقراری روابط جدید و تجربه هیجان یک رابطه جنسی جدید گرایش دارند.

نتایج بررسی حاضر نشان داد، نارضایتی از روابط جنسی و عاطفی با همسر یکی از مهمترین عوامل در تبیین روابط فرازنشویی محسوب می شود. دلیل آن می تواند عدم آگاهی و یادگیری مهارت های زناشویی یا اختلالات جنسی زوجین باشد. بنابراین، هر چه زوجین از این مهارت های ارتباطی کمتر برخوردار باشند، زمینه های بروز بی توجهی و ارضا نکردن نیازهای همدیگر، کاهش علاقه و در نهایت خیانت بیشتر فراهم می شود. تئوری انتظار ازکمپ نیز به این مسئله اشاره دارد که عدم تحقق انتظارات، عدم تعادل بین «خواسته» و «داشته» است. هر کدام از زن و شوهر با تصورات خاصی درباره زندگی زناشویی اقدام به ازدواج می کنند و زندگی را با انتظارات مشخص در مورد اینکه همسرشان چگونه باید رفتار کند، آغاز می کنند. (ازکمپ، ۱۳۶۹: ۲۶۰) به عنوان مثال، یک زن ممکن است انتظار داشته باشد همسرش در کارهای منزل و بچه داری به او کمک کند. اگر شوهرش این انتظار او را برآورده نکند، زن ناراضی خواهد بود و زمینه برای اختلاف و کشمکش فراهم می شود. بنابراین، مشارکت و همکاری زن و مرد در امور منزل و گفتگو درباره مسائل مهم زندگی (عاطفی، جنسی و فعالیت های مشترک و سرگرمی ها) عوامل مهمی است که رضایت زوجین را بالا می برد. پژوهش های دیگر نظیر پژوهش احمدی (۱۳۹۱)، کاوه (۱۳۸۷)، شیردل (۱۳۸۵) و یسل و گاسانو (۲۰۱۰) نیز به این مسئله اشاره کرده اند که برآورده نشدن انتظارات زناشویی، نارضایتی از روابط جنسی و عاطفی و در مواردی تنوع طلبی جنسی و انتقام از خیانت همسر، احتمال درگیر شدن در روابط فرازنشویی را افزایش می دهد.

برخی از عوامل زمینه ساز روابط فرازنشویی مانند ازدواج اجباری و دخالت خانواده همسر در پژوهش های پیشین به ویژه در کشورهای غربی مورد توجه واقع نشده اند. در فرهنگ غرب، فردیت و عشق رمانتیک، پیش نیاز شکل گیری ازدواج محسوب می شوند و ازدواج هایی که با انگیزه ای غیر از عشق دو طرفه شکل گرفته اند، وجود ندارد. در کردستان، خانواده بیشتر از لحاظ بعد آن تبدیل به شکل هسته ای شده است، ولی از لحاظ ساختار و محتوای روابط خانوادگی، تا حد زیادی بر طبق نظام ارزشی متعلق به خانواده های گسترده عمل می کند؛ چنان که نتایج پژوهش ناصری (۱۳۹۰) درباره علل طلاق در

کردستان مؤید این یافته می باشد. بر اساس پژوهش وی، در کردستان پیش شرط های اساسی خانواده هسته ای- که عبارت است از شکل گیری استقلال شخصیتی و رفتاری زوجین و مشارکت زن و مرد در امور خانواده- به خوبی فراهم نشده است، زیرا والدین هنوز هم نقش زیادی در زندگی فرزندان شان چه قبل از ازدواج (در امر همسر گزینی) و چه بعد از ازدواج (تأمین مالی و مسکن) برخوردارند. بنابراین، هرچه وابستگی زوجین به شبکه خویشاوندی بیشتر باشد، عملکرد نقش زوجین نیز آسیب می بیند و زوجین خود نمی توانند تصمیمات لازم را اتخاذ کنند. آنها مجبورند نظرات دیگران را در زندگی خود قبول کنند که این مسئله می تواند زمینه بروز اختلاف، کمبود محبت و توجه و خیانت را فراهم نماید.

در مجموع، یکی از پیش شرط های ازدواج موفق در کنار تأمین مسکن و اشتغال، استقلال فکری و رفتاری زوجین جوان است. در بسیاری از موارد ازدواج در سنین پایین و یا انتخاب نادرست همسر در هر سنی، نتیجه عدم استقلال شخصیتی است. فقدان عامل مذکور موجب می شود افراد بدون در نظر گرفتن تفاهم فکری و روحی تنها بر اساس احساسات و ملاک های صوری (از جمله جذابیت جسمی و جنسی) همسر خود را انتخاب کنند. همچنین، نبود استقلال شخصی موجب می شود خانواده ها نیز در امر ازدواج (قبل و بعد از آن) دخالت کنند که با توجه به نظام ارزشی سنتی و فرهنگ مردسالاری در کردستان، این عامل نقش مهمی را ایفا می کند. بنابراین، الگوهای سنتی همچنان بدون تغییر تداوم یافته اند بدون اینکه خود را با الگوهای جدید تطابق دهند. همچنین در تحلیل مصاحبه ها روشن شد، امروزه بسیاری از زنان الگوهای سنتی تقسیم جنسیتی کارها را به چالش می کشند و خواستار تقسیم برابر نقش ها و وظایف هستند. به نظر می رسد دسترسی به رسانه های جدید، ارزش ها و هنجارهای جدیدی را برای زوجین مطرح کرده اند، در حالی که نهادهای اجتماعی و آموزشی در این مناطق، این ارزش ها و هنجارهای جدید را در ساختار شخصیت افراد نهادینه نکرده اند. در نتیجه، ناآگاهی از حقوق و تکالیف متقابل، ضعف در یادگیری مهارت های ارتباطی و زناشویی در کنار عوامل سایر عوامل فرهنگی (مثل دخالت خانواده ها و فرهنگی مردسالاری) به اختلافات زناشویی و سردی روابط بین زوجین دامن می زند و افراد برای جبران کمبود محبت و فرار از تنش ها اقدام به برقراری ارتباط با فردی دیگر غیر از همسر می نمایند.

پیشنهادها

در پایان، موارد زیر پیشنهاد می گردد:

- پرورش روحیه استقلال و مسئولیت پذیری در کنار آموزش مهارت های ارتباطی و حقوق زناشویی از سنین پایین در مدارس؛
- ساختن فیلم هایی بر اساس نظام ارزشی و فرهنگی جامعه و مطابق با علایق و نیازهای جدید زوجین جوان و پرداختن به زمینه های بروز خیانت و آسیب های ناشی از آن برای کمرنگ کردن نقش سریال های ماهواره ای؛
- قانون گذاری در زمینه ممنوعیت ازدواج در سنین پایین؛
- استقرار و تقویت نهادهای اجتماعی و اقتصادی که در زمینه اشتغال و مسکن از جوانان حمایت کنند؛
- توسعه مراکز آموزشی مشاوره خانواده قبل و بعد از ازدواج و استفاده از متخصصان مجرب در این زمینه؛
- ترویج فرهنگ مراجعه خانواده ها به مراکز مشاوره خانواده در هنگام بروز اختلافات؛
- پرهیز خانواده ها از جدی نگرفتن ازدواج فرزندان، ازدواج های شتاب زده و ازدواج های تحمیلی و ناسنجیده برای فرزندان.

منابع

- ازکمپ، استوارت (۱۳۶۹) روانشناسی اجتماعی کاربردی. فرهاد ماهر. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی
- احمدی، ناهید (۱۳۹۱) "بررسی جامعه شناختی روابط خارج از چارچوب ازدواج". پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته مطالعات زنان، دانشگاه تهران.
- استراوس، انسلم و کربین، جولیت (۱۳۹۰) مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه ای. ابراهیم افشار. تهران: نشر نی
- حسینی، حسن (۱۳۸۶) جامعه شناسی نظام گسیختگی خانواده و طلاق. تهران: انتشارات سلمان
- شیردل، ملیحه (۱۳۸۵) "عوامل گرایش زنان و مردان متأهل به رابطه نامشروع جنسی". فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی. سال ششم، شماره ۲۲.
- کاوه، سعید (۱۳۸۷) همسران و بی وفایی و خیانت: بررسی عوامل مؤثر شناخت ویژگی ها و عوامل تشکیل دهنده و پیامدهای ناشی از عارضه بی وفایی و خیانت میان همسران. تهران: نشر سخن
- مرکز آمار ایران () سالنامه آماری کشور: سال های ۱۳۸۸ - ۱۳۷۲.
- ناصری، عرفان (۱۳۹۰) "بررسی علل و عوامل مؤثر بر طلاق در استان کردستان (نمونه زوجین متقاضی طلاق در سال های ۹۰-۸۹)". طرح پژوهشی، سازمان بهزیستی استان کردستان، دفتر آسیب دیدگان اجتماعی.
- Allen, Elizabeth. S., & Atkins, David, C. (2012) "The Association of Divorce and Extramarital Sex in a Representative U.S. Sample". Journal of Family Issues. Published by: Sage, 33(11).
- Blow, A., & Hartnett, K. (2005) "Infidelity in committed relationships II: a substantive review". Journal of Marital and Family Therapy. 31(2).
- Buss, D. M., & Shackelford, T. K. (1997) Susceptibility to infidelity in the first year of marriage. Journal of Research in Personality. 31.
- Creswell, J.W.(2007) Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches (2nd ed.). Thousand Oaks, CA: Sag.
- Glass, S. p., & Wright, T.L. (1999) Reconstructing marriages after the trauma of infidelity. In W. K. Halford & H. J. Markman (Eds), Clinical

handbook of marriage and couples interventions. New York: John Wiley & Sons

- Janssen, E. Milhausen, R. Mark, K. P. (2011) **Infidelity in Heterosexual Couples: Demographic, Interpersonal, and personality – Related predictors of extra dyadic sex**. published online: 11 June 2011 – Springer Science + Business Media, LLC 2011/
- Liu, C. (2000) "A theory of marital sexual life". Journal of Marriage and the Family. 62.
- Myers, J. E., Madathil, J. & Tingle, L. R. (2005) "Marriage satisfaction and wellness in India and the U.S.: A preliminary comparison of arranged marriages and marriages of choice". Journal of Counseling and Development. 83.
- Neuman, M.G. (2008) **The truth about cheating: Why men stray and what you can do to prevent it**. New Jersey: John Wiley & Sons
- Wait, L. J., & Gallagher, M. (2000) **The case for marriage: Why married people are happier, healthier, and better off financially**. New York: Doubleday.
- Yucel, D. and Gassanov, M. (2010) "Exploring Actor and Partner Correlates of Sexual Satisfaction among Married Couples". Social Science Research. 39, 5.

A Qualitative Study about the Reasons of the Extra-marital Relations(Case Study: Qurveh)

Maryam Abdolmaleki

Master degree in Research in Social Sciences, Al-zahra University

Mansoureh Azam Azadeh

PH.D., Associate Professor in Sociology, Al-zahra University

Received:31 May 2014

Accepted:26 Jul 2014

The extra-marital relations are one of the fundamental challenges of family life in the current era. The rate of divorce in our country has had an upward trend in recent years. According to family experts, often couples have mentioned unfaithful spouse as one of the divorce factors. As regarding to unpleasant consequences that extramarital relationships have for families and their children, the main goal of the present study is to study the affecting factors the extramarital relations qualitatively. To this end, 24 couples in the town named Qorveh - who had had unfaithful to their spouse and had referred to Welfare and counseling center- were selected by purposive sampling method and were studied with semi-structured in-depth interviews.

Analysis of the data using a grounded theory revealed two categories of social and psychological factors caused the marital satisfaction and the extra-marital relations that they are respectively: forced marriage, attachment to spouse family and their involvement, attitude differences on gender roles, sexual and emotional dissatisfaction and suspicion. In other words, the mentioned factors provide context for dissatisfaction, loss of interest and understanding and in some cases the extramarital relations.

Keywords: Extra-marital relations, Social and Cultural Context, Marriage and Couples